

دور دنیا در ہشتاد روز

ژول ورن

تصویرگران: دونویل و ال. بنت

ترجمہ فرزانه مہری



نشر آفرینگان: ۲۳۳

فهرست

۱. فیلتاس فوگ و پاسپارتو با هم به توافق می‌رسند، یکی ارباب، دیگری خدمتکار ۱۱
۲. پاسپارتو به این نتیجه می‌رسد که عاقبت به ایدئال خود دست یافته است ۱۹
۳. بحثی درمی‌گیرد که ممکن است برای فیلتاس فوگ گران تمام شود ۲۵
۴. فیلتاس فوگ خدمتکار خود، پاسپارتو، را حیرت‌زده می‌کند ۳۵
۵. ارزش جدیدی در بازار بورس لندن ظهور می‌کند ۴۱
۶. کارآگاه فیکس حق دارد عجله داشته باشد ۴۷
۷. گذرنامه‌ها هیچ به درد اداره پلیس نمی‌خورند ۵۵
۸. پاسپارتو شاید کمی بیش از حد پرحرفی می‌کند ۵۹
۹. دریای سرخ و اقیانوس هند بر وفق مراد فیلتاس فوگ هستند ۶۵
۱۰. پاسپارتو با این که کفش‌هایش را از دست می‌دهد، اما از این که با کسی خرده‌حسابی ندارد، خوشحال می‌شود ۷۳
۱۱. فیلتاس فوگ مرکبی به بهایی گزاف می‌خرد ۸۱
۱۲. فیلتاس فوگ و همراهانش در جنگل‌های هندوستان ماجراجویی می‌کنند و اتفاقاتی می‌افتد ۹۳

۱۳. پاسپارتو دوباره ثابت می‌کند که شانس با کسانی است که دل و جرئت دارند ۱۰۱
۱۴. فیلیئاس فوگ از درهٔ باشکوه گنگ پایین می‌رود، بدون این که نگاهی به آن بیندازد ۱۱۱
۱۵. از ساک حاوی اسکناس‌ها باز هم چند هزار پوند کم می‌شود ۱۲۱
۱۶. فیکس خودش را به بی‌خبری می‌زند ۱۲۹
۱۷. از سنگاپور تا هنگ‌کنگ، از این در و آن در صحبت می‌کنند ۱۳۷
۱۸. فیلیئاس فوگ، پاسپارتو و فیکس هر کدام مشغول کار خود هستند ۱۴۷
۱۹. پاسپارتو علاقهٔ زیادی به اربابش پیدا می‌کند و اتفاقات بعدی ۱۵۳
۲۰. فیکس مستقیماً با فیلیئاس فوگ ارتباط برقرار می‌کند ۱۶۳
۲۱. چیزی نمانده بود که صاحب تانکادر پاداش دوپست پوندی را از دست بدهد ۱۷۳
۲۲. پاسپارتو متوجه می‌شود که حتی در آن سر دنیا هم بد نیست آدم کمی پول داشته باشد ۱۸۵
۲۳. دماغ پاسپارتو بیش از اندازه دراز می‌شود ۱۹۵
۲۴. سفر بر اقیانوس آرام ۲۰۵
۲۵. دیداری اجمالی از سانفرانسیسکو — یک روز تظاهرات ۲۱۳
۲۶. قطار سریع‌السیر پاسیفیک ۲۲۳
۲۷. پاسپارتو، با سرعت بیست مایل در ساعت، به تاریخ مورمون‌ها گوش می‌دهد ۲۳۱
۲۸. کسی به حرف منطقی پاسپارتو گوش نمی‌دهد ۲۴۱
۲۹. حوادثی رخ می‌دهد که مختص خطوط آهن ایالات متحده است. ۲۵۱
۳۰. فیلیئاس فوگ به وظیفهٔ خود عمل می‌کند ۲۶۳
۳۱. بازرس فیکس به طور جدی منافع فیلیئاس فوگ را در نظر می‌گیرد ۲۷۳

۳۲. فیلیئاس فوگ به جنگ بداقبالی می‌رود ۲۸۳
۳۳. فیلیئاس فوگ توان مقابله با مشکلات را دارد ۲۸۹
۳۴. پاسپارتو در موقعیتی خاص جمله‌ای عجیب اما بی‌سابقه بیان می‌کند ۳۰۱
۳۵. پاسپارتو برای انجام دادن دستور اربابش تعلل نمی‌کند ۳۰۵
۳۶. دوباره ارزش فیلیئاس فوگ در بازار بالا می‌رود ۳۱۳
۳۷. فیلیئاس فوگ در این سفر دور دنیا هیچ ثروتی کسب نکرد، مگر خوشبختی ۳۱۹
- ژول ورن (۱۸۲۸-۱۹۰۵) ۳۲۵

فیلئاس فوگ و پاسپارتو با هم به توافق می‌رسند، یکی ارباب، دیگری خدمتکار

در سال ۱۸۷۲، در خانه شماره ۷ خیابان ساویل رو، در محله برلینگتون گاردنز — همان خانه‌ای که شریدان^۱ در سال ۱۸۱۴ در آن فوت کرده بود — جناب آقای فیلئاس فوگ^۲ زندگی می‌کرد. گرچه او به ظاهر کاری نمی‌کرد که توجه کسی را به خود جلب کند، یکی از عجیب‌ترین و مورد توجه‌ترین اعضای باشگاه اصلاحات^۳ لندن به شمار می‌آمد.

آری، فیلئاس فوگ جانشین یکی از بزرگ‌ترین خطیبانی بود که انگلستان را می‌ستودند. شخصیتی مرموز که کسی از او چیزی نمی‌دانست جز این که مردی بسیار مبادی آداب و یکی از خوش‌قیافه‌ترین جتلمن‌های طبقه مرفه انگلیس بود.

می‌گفتند شبیه بایرون^۴ است — البته فقط از ناحیه سر، زیرا پاهای

۱. Sheridan: سیاستمدار و نمایشنامه‌نویس ایرلندی. — م.

2. Phileas Fogg

۳. Reform-Club: انجمنی که در سال ۱۸۳۶ تأسیس شد و در ابتدا هدفی سیاسی داشت و در حمایت از اصلاحات انتخابات در انگلستان فعالیت می‌کرد. — م.

۴. Lord Byron: یکی از بزرگ‌ترین شاعران انگلستان. پای راست او به سمت داخل انحراف داشت و می‌لنگید. — م.



فیلئاس فوگ

بی‌عیب و نقصی داشت — اما بایرونی که سبیل و خط ریش داشت، بایرونی خونسرد و بی‌اعتنا که هزار سال زیسته و پیر نشده بود. فیلئاس فوگ بی‌شک انگلیسی واقعی بود، اما شاید نمی‌شد او را لندنی تمام‌عیاری دانست. هرگز کسی او را در بازار بورس، یا بانک یا هیچ‌یک از نمایندگی‌های تجاری شهر ندیده بود. در هیچ‌کدام از کانال‌های آبی یا باراندازهای لندن کشتی‌ای متعلق به فیلئاس فوگ دیده نشده بود. این جنتلمن در هیچ‌یک از سازمان‌های دولتی حضور نداشت. نامش در هیچ‌یک از مدارس و کالت به گوش نخورده بود، نه در دانشکده حقوق تمپل، نه در مدرسه لینکلن و نه در مدرسه گری. هرگز نه در دیوان عالی کشور اقامه دعوا کرده بود، نه در دیوان سلطنتی، نه در خزانه‌داری و نه در دیوان کلیسایی. نه کارخانه‌دار بود، نه تاجر، نه کاسب و نه کشاورز. نه عضو مؤسسه سلطنتی بریتانیا بود، نه مؤسسه لندن، نه مؤسسه صنعتگران، نه مؤسسه راسل، نه مؤسسه ادبی غرب، نه مؤسسه حقوق و نه مؤسسه هنرها و علوم جامع که تحت ریاست مستقیم و الطاف اعلیحضرت قرار دارد. و خلاصه این‌که او به هیچ‌کدام از انجمن‌های بی‌شماری که در پایتخت انگلستان به‌وفور یافت می‌شوند، از انجمن آرمونیکا گرفته تا انجمن حشره‌شناسی که تنها به نیت نابودسازی حشرات موزی تأسیس شده بود، تعلق نداشت.

فیلئاس فوگ عضو باشگاه اصلاحات بود. همین و بس. در جواب کسانی که از این موضوع در حیرت‌اند که چطور مردی این‌چنین مرموز توانسته خود را در میان اعضای این مؤسسه قابل احترام جای دهد، می‌توان گفت که به توصیه آقایان برادران بارینگ وارد این جمع شده بود، چرا که نزد ایشان از اعتبار بالایی برخوردار بود. آن‌طور که از ظاهر امر پیدا بود، چک‌هایش به‌طور مرتب از طریق حساب جاری همیشه معتبرش وصول می‌شدند.

آیا فیلئاس فوگ ثروتمند بود؟ بدون شک. اما این‌که چطور ثروتمند شده بود، حتی مطلع‌ترین افراد نیز قادر به گفتن آن نبودند. و اگر قرار بود از کسی بپرسیم، آقای فوگ آخرین گزینه مناسب به نظر می‌آمد. در هر حال، او در هیچ چیزی و لخرجی نمی‌کرد، اما خسیس هم نبود، زیرا هر جا